نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دوستان خلیفه

محمدرضا سپهری

چکیده

سرزمین‌هایی که مسلمانان در خارج از شبه جزیره عربستان گشودند، در جهان‌های گوناگون ازجمله نیاپهدای تمدنی و مقبره‌های مالی به‌هم تفاوت‌هایی داشت. مسلمانان ضمن اجرای احکام کلی اسلام در جویه‌های اداری و مالی به مصایح حکومت خود دیدند که مقررات بیومی و سربازی‌های را در جهت پیشرفت هداف و مقاومت خوشی به خدمت گیرند. حکمرانان مسلمان در ایران به نظارت سیاسی نظامی با نظام بالای جامعی از امور مالی و اقتصادی مواجه شدند که از یکی از مهم‌ترین خصوصیات بحران‌های پیشرفت بود. تغییر نظام مالی‌ای ایرانی را در کوتاه‌مدت به سود افزایش نبود در زمان‌های دور و نزدیک. بنابراین، نظام مالی‌ای ساسانی را به‌خصوص در دوره پخش، یکی از آن تأثیر آشکار بود. نظارت دوستانی و مستوفی‌گری حقوق دولتی ۲ مالیات از اراضی به‌هویه خراج اعیم از میزان، چگونگی و زمان اخذ.

در این مقاله، تأثیر طبیعی نظام مالی دوستان خلیفه از نظر مالی‌ای و دیوانی ساسانی و نقش ایرانیان در اداره سازمان مالی و اداره مسلمانان صورت یافته‌است که از این نظر نتایجی بوده‌است که لایه‌ای اجرا اجرا شده و تنظیم دیوان‌های مالی بوده‌اند که اهمیت را از این پیش در نظر داشته و تاثیر پیام‌های دیوان‌ها به زبان عربی توجه شده.

واژگان کلیدی

دولت خلیفه، منابع مالی، ایرانیان، نظام دیوانی، دیوانی، مستوفیان.

sepehran55@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۲/۰۷/۹۰

۵۵
مقاله

قوانین و مقررات مالی مسلمانان بغرم ظاهر ساده و برای بهبود شیوه مشکل و پیچیده این فرهنگ. گذشته از اختلافات مکاتب قوی بیشتر در درخواست اصلاح و بسیاری صمیمی به جدیت به امامیان دیده که مسلمانان علیه ضرورت برای موجب کتاب و سنت، در زمینه اقتصاد و معیشت اصول و ضوابط مشخصی داشتهند. به همه واکنش فعال استردنی های جدید نظام مالی پیشین را نا انجا که با اصول کل نظام اسلامی تبعیض ناشی، مورد عمل قرار داده. چنان که علیه بر شورای نظام جدید، مأموریت و مسئولیت مالی‌آمیتی می‌توان از میان کارکنان محلی خصوصاً ضایعات سایر تمایل می‌کردن. در سرتاسر های صرفاً دیوان‌های مالی و اداری ها از این گذشت به امر برندد و تا اوایل قرن نخست ضمن اداره به‌وسیله ایرانیان. به همین رتبه دیوان‌ها به زبان عربی به‌وسیله ایرانیان پیشنهاد و اجرای گزارش.

در این مقاله تلاش می‌کنیم با مراحله به متن تاریخی و کتاب‌های ادکلن اسلامی تاریخی و اصول، برای این پرسش پاسخ بیابیم که مسلمانان، بس از اینجا امام تا چه‌اندازه از نظام مالی‌آمیتی ساسنا تأثیر وپیچیدن‌های نظام مالی پیشین را تأثیر گرفته و ادکلن اسلامی که در قرن‌های طول شده بدون ملاحظه شرایط زمانی و مکانی در مناطق ایرانی به‌طور کامل پیاده کرده‌اند یا آنها پرداختند؟

به‌نظر می‌رسد کسانی که خوست‌گردن نظام مالی‌آمیتی مسلمانان یا یکم و کاسته با نظام‌های مالی‌آمیتی ایران و روم پیش از اسلام مقایسه کنند، در نتیجه در پیش گرفتن، اگرچه نظام مالی‌آمیتی اسلام در جزیی و خارج با انجا به اعتقادات اسلامی و سرزمین ایران، به‌وسیله ایران و روم اخذ می‌شود، شیکه چه؟ دارد اما هرکس آن را پذیرفته و تأثیرات مستقل و تأثیرات در این نظام به قوی و صاحب‌نظران مسلمان، به‌طور اختصاصی بدان پرداخته و تأثیرات مستقل و چنین که پیش‌آمدهای تاریخی و دیگر مالیات عملاً مسلمان باشد، کاملاً با نظام‌های مالی گذشته‌هایی که داشتند مکریزی، مثل فنون، مکاری، زINST باین و اینه فرآیند و رژه‌های دیگر در کنار نظام مالی داشته که بتوان نظام مالی اسلامی را با نا ماؤسی‌کردن?

منتخب مالی دولت اسلامی

پیش از هرچیز لازم است منابع درآمده مالی مسلمانان را برای به منابع اسلامی بشناسیم تا بتوان قضاوتی روشان

۱. دیت، مالیات سنگین، ص ۲۵.
نقش ایرانیان در تشکیل‌های مالی و دیوانی دلاد خلفا

در این پاره از این منابع در امدهای دولت اسلامی را به دو دسته تقسیم کردند:
الف) در امدهای عمومی یا اموال غیب.
ب) در امدهای اختصاصی یا صداق.
این دو از چهار جفت با هم تفاوت دارند:
1. صدقات از مسلمانان گرفته می‌شود تا آموال آنان باکره گردند. در حالی که فی از کفار

گرفته می‌شود.
2. موارد مصرف صداق در طرف شارع مقدس‌شده و امام حق اجتهاد ندارد. در سورتی

که امام می‌تواند اموال فی را آن گوئه که خود می‌داند به مصرف برساند.
3. صداق‌دهدان اجازه دارند که صدقات را در ممان مستحقان تقسیم کند اما فی را فقط

والمان اهل اجتهادی می‌توانند آن گوئه که خود می‌دانند به مصرف برسانند.
4. موارد مصرف صداق و فیا یا هم فرق دارد.

الف) در امدهای عمومی یا اموال غیب

یکی، فیه

کله اموالی است که بدون چنگ و خونریزی نصب مسلمانان شود. مانند: جزیه، خراج و عشور که

کفار و اهل ذم به‌این قراردادهای صلح ایان به مسلمانان پرداخته‌اند. 3 در مقابل این، اموالی است که

بدون قرارداد صلح و بی‌کنگ از کفار به‌دست مسلمانان می‌افتد.

این اموال به‌مجیع قرار کردن ۳ جز غنایم است و با یاد پس از اخراج خمس، بین رزمگان
شرکت کنندگان در چنگ تقسیم شود. پیش از خلفه دوم اموال غنایم چه متقسی و چه غیر متقسی بین

جنگجویان مسلمان تقسیم می‌شود اما از زمان وی از تقسیم اموال غیرمتقسی جلوگیری شد. 4 این کار

خلفه منشا اختلاف بین فها اهل سنت گردید. همچنین که درباره اموال که پس از چنگ در

ممالک مخفی متعود بوده، بین آنان اختلاف است که آیا یا یاد به بی‌پا بوده شود تا اموال

همه مسلمان باشد یا بین ماحوران چنگ تقسیم شود؟ 5 غنایم شامل اسراء، زنان و کودکان، زمین‌ها و

1. ماورودی؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۶۱، قراره: احکام‌السلطانی، ص ۱۵۲ـ۱۵۳.
2. بیگرامی؛ ماورودی؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۶۴ـ۱۶۴.
3. انتقال /۲.
4. قراره؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۶۸، ماورودی؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۶۷.
5. ماورودی؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۷۳، ابوتی؛ کتاب امورال، ص ۱۷۳، قراره؛ احکام‌السلطانی، ص ۱۶۳، ص ۱۶۴.
6. ابوتی؛ کتاب امورال، ص ۲۳۲.
اموال مشرکان می‌شود. اگر بر اساس اختلاف بر اساس اموال مختلف اراضی و نیز اموال مکونه پس از چنین در باد مافذ مالکه جز اموال قبیل تخلیه و به حساب بیت‌المال منفی شده است.

بر پایه روایات شیعه، در همان انتقال است و علاوه بر اموال که بدون چنین و خون‌ریزی از کفار به‌دست آید، کلیه اراضی موات و مخربه، قطعی و خالصات شاهان مأمور غرامتی نباید. نیز از حوادث، درون درها، میراث‌های بدین وارث و اموال پر. مالک نیز فیه بوده اخیار آن به‌دست پیغمبر و پس از او به‌دست چانشی‌تان به حکم‌است.

اموال که می‌گویند در به بیت‌المال می‌رسیدی به شرح زیر است:

1. اینچه از عقد صلح از اهل ذهبنیابنگی و خراج می‌گرفتند تا در نتیجه آن، مال و جان آنان در باد مسلمانان باشد.

2. علما: مالیات سید که از اموال جنگی که از این اجلاس می‌خواند می‌خوانند. این مالیات از اجلاس ذهبنیا به میزان یک پیکه‌پستم (نصف غیر) و از تجاران مسلمان یک پیکه‌پستم (برع عشیر) دریافت می‌شود.

علاوه بر این، از برخی زمین‌ها همسع دریافت می‌شود:

یک. زمین‌هایی که صاحبان آن، ام از عرب و عجم به دلخواه خود اسلام می‌آوردند. هم‌نامه مدنیت و صیغه.

دو. زمین‌های موالی که مسلمانان ایجاد می‌کردند.

س. زمین‌های مفتون العفو به مذهب شافی.

چهار. زمین‌هایی که به‌ینه مفتون خلیفه سلطنت و هرگونه مصحت می‌دهد. عامل می‌شود او می‌توانست از این زمین‌ها دو عشیر (دو دهم) دریافت کند و در صورتی که از نهایت خراج آبایی می‌شود، دارندگان اقطاع می‌پایست خراج کامل به‌دهد.

پنجم. زمین‌هایی که جزیه از آنان قبول نمی‌شود مکر اسلام آورند، یا به قتل برساند و نیز سرمزمین بیضی‌سان، عرب.

۳. اراضی و اموال غير متقسی که در جنگ تکلیف مسلمانان می‌شود، ماتردی اراضی سواد عراق که

---

1. د. م. م، اسناد، ص ١٦٧-١٦٨، قرآن، الامام، ص ١٦١-١٦٢، اسناد، ص ١٦٢-١٦٣، قرآن، الامام، ص ١٦٣-١٦٤، قرآن، الامام، ص ١٦٤-١٦٥.

2. د. م. م، اسناد، ص ٢٣٤-٢٣٥، مدیری، تنظیم، ص ٤٣-٤٤، تحقیق، الامام، ص ٤٥-٤٦.

3. د. م. م، اسناد، ص ٣٣٤-٣٣٥، مدیری، تنظیم، ص ٤٦-٤٧، اسناد، الامام، ص ٤٧-٤٨.

4. د. م. م، اسناد، ص ٦٧٣-٦٧٤، مدیری، تنظیم، ص ٤٨-٤٩، اسناد، الامام، ص ٤٩-٥٠.

5. د. م. م، اسناد، ص ٦٨٣-٦٨٤، مدیری، تنظیم، ص ٥٠-٥١، اسناد، الامام، ص ٥١-٥٢.
نفس ایرانیان در تشکیلات مالی و دوستان دلیل خلاف

خليفة دوم، اکنون با یک عواملی که داشته باهی منکالت عموم سلسلیان در آورد و اجلاسو داد که احتمال با

پرداخت خراج معینی همچنان از آن بهبوداری کند. ۱

۱. اموالی که پس از جنگ از پادشاه فارس به دست سلسلیان می‌افتد.

۵. اموالی که در اثر مصالح و بدون جنگ عادی سلسلیان می‌شود.

در خراج قدمت رین مالیات‌ها و عبارت بود از نوعی مالیات بر اراضی که اهل ده برای زمین‌های خود

در شهرهایی که به جنگ گشوده می‌شود، به حکم می‌پردازند. ۴

همانطور که گفته‌شده‌ی زمین‌های مفروج آلوده به آنتی تغییر فاتحان به‌شمای می‌رفت و پس از

خراج خمس میان آنان تقسیم می‌شد، اما عمر، خلیفه دوم این زمین‌های را ملک عمومی و متعلق به

همه سلسلیان اعلام کرد و مقرر داشت که همچنان در دست کشاورزان و دهقانان سابق بانیان

وقت مالیات آن را به دولت پردازند. زمین‌های خراج شامل موارد دیلی بود:

۱. همه زمین‌هایی که به زور شهردار گشوده شده و امام آن را در اختیار مالکان این قرار دهد.

۲. همه زمین‌هایی که به مبلغ گشوده شود و صالحان آن در جرگه اهل ده در آید.

در عوار مالیات به واحد جربی بر حسب محصول این مربوط بود. این نظام ممیزی مالیات پس از

سوا در وضع عوار هم معمل شد. در اینباره از نظام ساسانی تقید گردد. در سوا، مالیات اراضی

عنوان خراج علی مساحت اراضی را داشت. علی: مالیات زمین بر اساس مصالح ان. ۴. این طرز با آنچه

مالیات را بر اساس سه‌میلی از مساحت سالانه معین می‌کرد (خروج، علی: مقام‌های فرق داشت، نوع

دیگری از مالیات بود به نام خراج علی ممالکه که عبارت بود از مبلغ مقطوعی که شهرهایی چون

جبه طبقه عهدنامه پرداخت آن را ملزم بودند. ۱

۱. ابویوبید. کتاب الامام، ص ۱۳۲.

۲. همای، ص ۳۳۳.

۳. فلززیری. تحریک البلدان، ص ۱۵۷.

۴. زرنج، تاریخ ترکستان، ص ۱۷۲.

۵. ماوری، احوال الدوله، ص ۱۸۱.

۶. ابویوبید. کتاب الامام، ص ۱۷۲.

۷. ماوری، احوال الدوله، ص ۱۸۱: ابویوبید. کتاب الخراج، ص ۷۸.

۸. دنت، مالیات سرخ، ص ۸۵-۳.

۹. ماوری، احوال الدوله، ص ۱۸۴.

۱۰. دنت، مالیات سرخ، ص ۸۵-۳.
حقیقت این است که بخلای تأیف کتاب‌ها، امواج و خرابی در دوره‌های متاخر، اطلاعات دقیقی از خرابی سرزمین‌های خلافت شرقی نداریم.
علت دیگر این که امروز برای این شاخه‌ای بودن دیوان‌ها یاد کرد که هر چند روز به روز راه کمال می‌پیمود اما تیمی و ضبط درآمد و هزینه به شکل دقیق انجام نمی‌شود. ضمن اینکه دیوان‌ها به سیاس
مجملی و صاحب‌خانه دیوان، کارگزاران محلی بودند.

می‌دانیم که وسعت دولت اموی، بسی به‌طوری‌های در دوره خلافت مسلمان به‌صورت اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته و مالیاتی بر دوسته شده‌اند. این دو راه، طول دوستان‌ها و سیاست‌ها را که بر رشی‌های وستی می‌باشد.

هاین فرهنگ‌های ایرانی و فرهنگ‌های می‌کردند، همراه با داوطلبانه از دوسته قیل کرد به‌طوری‌که نیاز به صورت خرید و درآمد شام و عراق در روزگار معاونی (سال‌های ۴۰–۴۱) او دهه که مجموعاً اندازه‌ای خیلی بالا و با استفاده از دویست و هزار دینار با هر دویست و هزار دینار در آن درت، دویست و هزار دینار. 

خرابی الیه در مراحل تاریخ به‌طوری‌های کلی تا پایه است که فقط از صاحب‌خانه‌هایی زمین و تاجران بهرنمایی می‌شد. در شهرهای غربی ایران نیز خرابی اخیری‌شده‌است. در شهری از دبنور، ماسیان، صیاهر و اصفهان نیز از این ملع بردای خرابی شده.

ساسانیان از هنگام محسوب، خرابی می‌گفتند، ازجمله نخل و مو، در دوره اسلامی نیز بپایین دو محسوب خرابی نهاند. در مناطقی مانند قم که خرابی در قرون نخستین معمولاً براساس نظام مساحت بود، از هر زمین با هر نوع محسوب، خرابی دریافت می‌شد. در سودر به‌صورت هر اکثر مقامی آزاده نهاده بود، آما در برخی دوره‌ها به دو پنج کامه می‌باشد. بنابراین شماری از

گزارش‌ها، خليفة دوم دستور داد که از هر ترابر زمین یکده و هم، یک قدر غله برای تأمین مصرف

1. بگردید به: صفر، علم و تاریخ در مصر امپراتوریان، ص ۱۸۲ - ۱۸۳، ۱۹۳.
2. پیامدو، تاریخ الیه، ج ۳، ص ۱۳۲، ۱۹۳.
3. محمد، حرفه، ج ۳۴، ص ۲۶۲، ۱۹۳.
4. قیام، تاریخ، ج ۲۷، ۱۹۳.
5. ناصر، تاریخ، ج ۳۴، ص ۱۳۲، ۱۹۳.
6. میرزا، تاریخ، ج ۳۴، ص ۱۳۲، ۱۹۳.
7. پیامدو، تاریخ الیه، ج ۳، ص ۱۳۲، ۱۹۳.
8. بگردید به: صفر، علم و تاریخ در مصر امپراتوریان، ص ۱۸۲ - ۱۸۳، ۱۹۳.
سفاهان اذن شود و ابتکارهایی از نظر محصول تفاوت نمی کرده. به گزارش مورودی، در سایر قسمتهای غیر از سواحل خارج و بهبود اختلاف محصول فرقی می کرد، از گزارش دیدگان بهدست می آید که مالیات براساس نوع محصول بوده است: تاکستان ۶ درصد، تختی ۸ تا ۱۰ درصد، نیشابور ۶ درصد. گسترش ۴ درصد و ۳ درصد در هر جریب، از روابط بالایی ۵ بهدست می آید که دستور عمر در یپ گزارش مگربین شده و بالا سواحل صادر شده به خلیفه نوشته: در این مناطق محصولات دیگری غیر از گندم و جو هم بعمل می آید اگیره شهد، کنجد مانند و ...

س. جزییه

۱. تشکیل جزییه

جزییه مالیات سرناهای است که به موجب حکم فرمان ۵ هزار سال از آهل ذمه که در حمایت حکومت اسلامی بودنت، گرفته می شد. مسلم است که این مالیات از قدیم میان ملل متحد مصون بوده است. یونانیان بر مدرم سایر صفر مالیاتی بستند که آنان را در برابر تهاجمات فیلیپیا حماوت کنند. رومیان نیز پس از فتح گل (فارسی) بر هر یک از هزار سال ۶ تا ۱۵ دلار مالیات می رکنند که مبلغ یکسیار گزاری بود. در ایران ساسانی هم این مالیات از توده‌های فرودست و پست جامعه گرفته می شد. در مقابل اشراف، روحانیون، دهقانان و دیپلماتهای کاتالان و خادمان گرمایی از پرداخت جزییه (گزاری) معاف بودند. ناباران پرداخت این مالیات شناخت آن بود که جزییه‌دهندگان در سلسله مراتب اجتماعی در طبقات پست قرار دارند.

در اسلام پس از نزول آیه ۲۹ سوره توبه، پیغمبر ﷺ مأمور شد که آن دسته از اهل کتاب که جزییه نهادن بر دین خود باقی بمانند، جزییه بگیرند مطالب روابط موجود، اهلی نبوده، جنبه ای، ادیب و مقاله ۱۰ و نیز مدرم تربیه و هجره اهلی نجات در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ در برابر قراردادهایی که با آن خاضع بستند، مالیات سرناه پرداخت کردهاند مدرم اهلی بابت هر مرد یک دینار، اهلی ادیب

---

1. بلاذری، فرهنگ البلدان، ص ۲۴۹ اوبویسک، کتاب الخراج، ص ۲۸.
2. بازرگان، ادیکتاب السلطنه، ص ۲۵۴.
3. همان، ص ۲۵۷ اوبویسک، کتاب الخراج، ص ۲۰.
4. بلاذری، فرهنگ البلدان، ص ۲۱۰.
5. تختی / ۲۹.
6. زیدان، تاریخ تعیین اسلام، ص ۱۷۳.
7. همان.
8. همان: قزای، تأريخ ایران از اسلام تا سلسله، ج ۴، ص ۴۴.
9. همان.
10. بلاذری، فرهنگ البلدان، ص ۷۱.
به‌طور کلی سالی ۱۰۰ دنبال، و مدت مقدمه سالانه پیچ در پی رشد کشاورزی خود‌
مجرزه‌های نیز از فرصت قبول جزیی استفاده کردن و با انتقاد قرارداد صلح‌بین، از چنین‌گونه‌ای بوده‌ای.
در زمینه اهل ذه مقاومت، تنها باعث تامین می‌شود. با استفاده به‌همین سمت یک‌درصد ایرانیان
زیمتی را جزو اهل کتب به‌حساب اورتم، آنچه دربار ایرانی می‌تواند گفت، این است که براساس
عهدنامه، باید به‌عنوان میلیات اخذ می‌شود اما نحوه جمع‌آوری این تختی به‌طور کمی‌کننده، چنان‌که خالق بی‌ولیه
پس از فتح جزیی از دهه‌های جزیی گرفته و این اولین جزیی که یکی از ایرانیان گرفته شد. این
اهالی خوزستان، اصفهان، مرو، بخارا و خوزستان نیز میلیات مقطع‌های وارد. در فتح گرفته هم مورد با
سودت بی‌مقر، فراموش صلح‌بین، دعوت به‌عنوان که جزیه بی‌روزد. برخی یک‌درصد که گمله «جزیه» و «خرج» بخش از یک قرن مترادفاً به معنی پای اعمال
می‌شود و تا سال ۱۰۲۱ گزارش غرب‌های ملات از ملات ارضی و ملات سرمایه را نمی‌دانستند. یک سه‌انداز
یک نویسنده درست قبول کرد. چنان که گنجش مسلمانان از زوگرگان یک‌درصد یک‌درصد یک‌درصد
به‌عنوان ملات سرمایه که با یک‌درصد آن‌ها بدونه. با یک‌درصد ممکن است که پیامدهای این
تاریخی است که درامدهای دلت‌ها اسلامی را چنانکه باید ممکن تعهدیان. این سخن‌های خصوصاً در
مطالعه تاریخ عمومی مثل تاریخ طبیعی دیده می‌شود که اصولاً در صدد بیان شگفت و دقت مبنا مالی
در امتداد مسلمانان بدونه در آثاری چون احکام السلطانی‌ها و کتاب‌های اموال و خراج این
تاکید بی‌پایان شده است.
مقدار جزیه
هرچند در بین وجوه افتراق خراج و جزیه بین کرده‌که برای جزیه از طرف شرک ترمین شده و
حاکم‌ان بر نظر حاکم و اکثر اکثریت است اما از روایت و اخبار موجود به‌دست می‌آید که براز اخذ
جزیه در هیچ زمانی مقدار معین و معیار مشخص و وجود ناشی‌است. با این حال از اخبار و

1. ابویبید، کتاب الامام، ص ۲۰ - ۱۳۴، غزنوی.
2. ابویبید، کتاب الامام، ص ۴۴ - ۱۶۰.
3. ابویبید، کتاب الخراب، ص ۸۴ - ۱۵۷، ج ۲، ص ۱۵۳.
4. این‌اوا، مکان در، ص ۵۰ - ۵۱، غزنوی.
5. حمایت، ص ۱۲۴ - ۱۲۸، غزنوی.
6. طبیعی، تاریخ الرسالت و الملل، ج ۴، ص ۱۵۲.
7. دند، ملات سرمایه، ص ۳۱ - ۳۲.
8. بالیکر، بایویبید، کتاب الامام، مکان در، الاحکام السلطانی.
گزارش‌های کتاب خراج و اموال در ایران: بررسی اطلاعاتی بندید می‌ایده. شاید بودن حذف معرفی مورد نظر مواردی مقدار است که رسول اکرم (ص) بر مردم ایله و بین مقرر فرمود. پس: یک دیبان برای هر نفر، این اسم مبلغ مالک در 12 درهم است که خلیفه دوم برای مردم سواد می‌گرفت.

هرچند با استناد به همه موارد، حذف جزیه هیچ‌گاه از 12 درهم کمتر نشد و همچون هدایت آن دچار نوسان بوده است. خصوصاً که این نبود ضایعه‌ای بنا به بیانیه‌اش در دوران امویان بود. خلافی امروز همچون ماهیه و عیدنامه‌بند مروان و علامان هنالین از عراق که از بصره و کوفه بن همیران یکپارهی داشتند در جهت افزایش هر چه بیشتر مبلغ جزیه تلایش می‌کردند.

به‌همه‌طور مقدار جزیه در همه مناطق و همه دورها یکسان بود. رسول اکرم (ص) برای هر فرد یک دیبان بی‌مدال از برخی‌های امروز مقرر کرد. در حالی که خلیفه دوم مقرر داشت که از «اهل مهد» منطق دیبان، چهار دیبان و از «اهل ورق» منطق ترکیبی جهل درهم به‌گردید.

اما در عمل این دستور همه‌جا رعایت نشد و در مناطق مختلف، میزان آن متفاوت بود. مثالی در مصر از هر نفر دیبان دریافت می‌شد. این مالیات در برنیکس منطق شهر بی‌هدر نداشت. مردمان هنالین در عراق به 42 درهم محسوب می‌شدند. منابع موجود که در زمان‌های مختلف نوشت شده بیان می‌داد به مردم هر متخلصه را به سه طبقه تقسیم می‌کردند: مالیات‌نامه 38 درهم، مالیات‌نامه 24 درهم و نسبت 12 درهم.

جلوگیری از جنگ به صلح مبارزه و براساس آن مورد برداشت جزیه کردند.

یک، اهدایی که قبل از چنگ به صلح مبارزه و براساس آن مورد برداشت جزیه کردند: 400 درهم با خالص بر این لیست کردند.

دو، اهدایی که پس از چنگ و غله مسلمانان قرار شد با برداشت خراج و جزیه در زمین‌های خود مبارزه و آزادی مسلمان و آزادی مذهب را به برخورداری باشد. در مقابل معتقد شدند که سالانه مبلغ برآس مالیات سرانه به قرار هو گرفته، دو کی دیبان بی‌پروانه. علاوه بر این، دو ماه‌گیه و دو قسم از روان و سرب و سرب.
این قرار در مورد شهرهای دیگر و نیز کلیه دهات و روستاهای مالاک عمل قرار گرفت. مردم چنین مناطقی این مالات را به ترتیب که رئیسی خودشان، دهقانان و کسانی که می‌پرداختند خلاف این چیزها نبودند، تأکید خواهان لشکریان را بر عهده روستایان گذاشتند و برداخت مالات تقدیم را بر عهده شهریان

۳. شروط اهل ده

مؤذین مالات سرخان (جوی) علاوه بر پرداخت آن مجبور بودند شرتو و قیودی را مراعات نمایند. این شروط به دو دسته شرتو مستحکم و شروط مستحکم تقسیم می‌شود. «شرتو مستحکم» مورد و رعایت آن در هر حال الزامی بود. این شرتو به پیشرفت قرار نمی‌آید. شروتو مسلمانان و اصل دین مربوط می‌شود. در حالی که «شرتو مستحکم» که آن نیز مورد بودن در صورتی نیست اجرای می‌شود که در متن قرادراد می‌آمده

در مقابل، مسلمانان نیز متعهد بودند که آزادی دینی و امینی جانی و مال آنان را تأمین کنند و هرگاه شرایط به گونه‌ای می‌شد که مسلمانان قادر به انجام تشکیل خود بودند، قرارداد ذمه نمود می‌شد. چنانکه خالد بن ولید در قرادراد صلح حضرت تصریح کرد که اگر توانایی از شما حمایت کنیم از اخذ جزیه خودداری خواهیم کرد.

۴. جزیه‌دهنده‌گان

جزیه فقط از مردان عاقل و آزاد اهل ذهه گرفته می‌شد. اهل ذهه، مسیحیان و یهودیان بودند به موجب قرآن. آتششناسان بیمار و هجر نیز به موجب قرآنی در شمار اهل ذهه قرار گرفتند. زنان، کودکان، بیماران، محسوسان گذاران، راهبان، کشیشان و دبیرستانیان که گذاران زندگی آنان از عادات دیگران تأثیر می‌شناسم نیز کلیه زنان در حرس و سال و کلیه افراد دختر که به حد بالعو نرسیده بودند، از پرداخت این مالات معاف بودند.

---
1. یحیی بن دم، کتاب الخراج، ص ۳۴، دند، مالات سرخان، ص ۳۷
2. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۴۱، دند، مالات سرخان، ص ۳۷
3. مارودی، الاحکام السلطانیان، ص ۱۸۳-۱۸۴، قروه الاحکام السلطانیان، ص ۱۷۷
4. مارودی، الاحکام السلطانیان، ص ۱۸۴
5. ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۱۲۴
6. مالکی، ص ۱۲۲-۱۲۳، مارودی الاحکام السلطانیان، ص ۱۸۳
7. ترویج، ص ۳۹
8. ابویوسف، کتاب الاحکام السلطانیان، ص ۱۸۳
9. بن جریب، مارودی الاحکام السلطانیان، ص ۱۸۳-۱۸۴، ابویوسف، کتاب الخراج، ص ۱۲۲
تفسیر ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دولت خلافت

گزارش ذمیان به اسلام نیز آنان را از پرداخت جزیه معاف می‌کرد، در دوره امپراتوری نخستین بار در اسلام از نویسمان‌های سرانه گرفته شد. نخستین کسی که به این عمل خلاف شروع دست زد، حاجی بن بوسف تلفیقی، والی عراق بود.

از بررسی روابط و اخبار کتب فتوح و خراج به دست می‌آید که این شیوه، تنها دو دوران خلافت عمر بن عباس‌المیرزه (۱۰۱-۵۹۶) و در برخی جاها همچون خراسان، تنها پس از آنها تداوم داشت. هنگامی که عمر بن عباس‌المیرزه به خلافت رسید، یکی از اصلاحات مالی او لغو همین مالیات بود که از نویسمان‌های می‌شد. او اخذ جزیه از نویسمان‌های خراسان را ممنوع کرد. سالها پس از آن، قصر بن سلیم والی خراسان در سال ۱۴۳۵ میلادی در سال ۱۴۳۶/۱۴۳۷ ق نویسمنان اهل دم‌ها را به ۴۰۰/۱۰۰۰ میلیارد دینار، از پرداخت جزیه معاف ساخت.

با این حال وضع کسی که در سرزمین‌هایی مسلمان می‌شد که به سالمندان پیمان صلح داشتند با آن که در سرزمین‌های متعلق و تحت سلطه دولت اسلامی مسلمان می‌شد، تفاوت داشت. اگر کسی در سرزمین‌هایی که به موجب عهدنامه مالیات ثابتی می‌پرداخت، مسلمان می‌شد: ۱. از مالیات اراضی و مالیات سرانه هر دو آزاد می‌گردید. ۲. زمین او جزو اراضی عشیری در می‌آمد. مگر اینکه عهدنامه، مبلغ ثابتی بایستی نمی‌کرد بلکه مقرر می‌شد که اهالی بایستی مالیات اراضی و مالیات سرانه بپردازند. در این صورت نویسمنان فقط از پرداخت مالیات سرانه معاف می‌شد.

هرگاه کسی در زمین‌هایی متفاوت عنوان مسلمان می‌شد: ۱. از مالیات سرانه معاف می‌شد. ۲. در مورد زمین‌های وعده داشت: الیا) در زمین خود بمانند در این صورت مکلف به پرداخت خراج بود و زمین را رها کنند. در این حالت مالیات ارضی از اموالی معاف می‌شود بلکه فقط اراضی از دست خارج خیفه قرار می‌گرفت و هرگونه مصطلح می‌شد، این معاف می‌کرد.

گاهی اوقات حکومت مرکزی اخ مالیات را به دیگران تفویض می‌کرد. کار بدنی برای شباهت کسب و کار بتواند. در زمین‌های متعلق به شهروند عرب یا اشخاصی که مالیات دارند. در روزگار مالیاتی (۱۳۷۰-۲۰۱۴) نهاد مالیاتی به مالیات و انتقال را مالیات بر خود را و انتقال را به کوفه و ایباداند و مالیات نامیدند.

۱. ابن عبانی، تحریک مصر و اخبار، ص ۳۷۳.
۲. بلقیسی، فتح البلدان، ص ۳۸۴. ابن عبانی، تحریک مصر و اخبار، ص ۳۷۳. روزنامه تحریک‌ها، ص ۸۵.
۳. یحیی بن آدم، کتاب الخراج، ص ۵۸، ۱۳۸۲.
۴. روزنامه تحریک‌ها، ص ۳۷۳.
۵. پیروز، البلدان، ص ۳۷۳.
در مواردی به‌جای مالیات، مقدمین ذیل‌را در جنگ به‌کار می‌گرفتند. مثل‌مصداق غنی‌التجاری و ایرانیان
در گرگان یک به‌جای پرداخت جزیی، در جنگ به مسلمانان کمک رسانده. به‌نظر می‌رسد: این،
بخشودگی مالیاتی محصور و در حیف‌تیپادنی مسلمانان به آنان بوده است.
نکته دیگر اینکه جمع‌آوری مالیات در حیرت پس از فتح خالد بن ولید به‌رهیز اشخاصی بود که از
طرف اهلال پرداخته می‌شدند. البته در صورت نیاز یک مامور مسلمان نیز آنان را کمک می‌کردند و از
بیت‌المال حقوق می‌گرفتند.
برخی کوشیدن‌ها غرامت‌های آندک و اینه ضدپارضایت درآمد مالیاتی در دو قرن تخمین‌ساز
در مناطقی مانند آذربایجان را به همه ایران تعیین دهد و آگاهی چنین تیپه به‌گونه‌که که گسترش
تدریجی نظام مالیاتی اسلامی به هر حال با اصول نظام حقوقی ساسانیان مطابقت دارد.

(ب) درآمدی اختصاصی یا صداق

یک، خمس

خمس از مالیات‌های است که هم مبانی درآمد، و هم موارد مصرف آن در قانون معين شده و باید در
همان موارد مزین شود.

1. مبانی درآمد خمس

صرف‌نظر از اختلاف‌نظر فقه‌ای دو مکتب شیعه و اهل سنت، و جدایی از اختلافاتی که فقه‌ای یا
فرقه‌ها با هم دارند، مبانی درآمد خمس به شرح زیر است:

یک، غنی‌التجاری از مهم‌ترین مبانی خمس است. ۶ هرچند مصداق غنی‌التجاری مورد اختلاف
اهل سنت و شیعه است ولی هر دو، غنی‌التجاری را از مصداقی بیان آن اعلام کرده‌اند. با توجه به
گسترده‌تر، فتوح در شرق و غرب مملکت اسلامی، غنی‌التجاری چنین رقم فوق‌العاده را تشکیل می‌داد و
نقش بسیار مهمی در اقتصاد بزرگی می‌کرد. نگاهی گذرا به کتب فتوح به‌پویه نقره‌ای‌البینمی‌باشند
این ادعا را اثبات می‌کند. در کتب اموال و خراج، غنی‌التجاری عبارت است از کلیه اموالی که پس از هر

۱. طبری، تاریخ الرسول و المرکز، ج. ۳، ص. ۱۵۲.
۲. حماده.
۳. ابویوبی، کتاب الخلاف، ص. ۳۴.
۴. ابن‌البریزی، تاریخ ایران، ج. ۲، ص. ۲۰۹.
۵. افضل/ ۴۱.
۶. مراویدی، الاحکام السلطنة، ص. ۱۸۷.
۷. حماده، مبانی‌الشیعه، ج. ۹، ص. ۳۹۱-۳۹۵; ابویوبی، کتاب الخلاف، ص. ۱۸۷; مراویدی، الاحکام السلطنة،
ص. ۱۷۷-۱۷۸.
نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیگری دولت خلافه

انجام تصدیق مسلمانان می‌شود. این اموال عبارتند از: اموال منقول اسرار سواپا و اواضیح

اموال منقول می‌باشد از پایان گرفتن جنگ و اخراج خمس به نسبت مساوی بین محاوران

تقسیم شود. همین اموال منقول، غنایم مالوف و ماتوس است که جوهر واقع، برای غنیم یزدان می‌اید.

به ذهن شوستن تداومی می‌کند. این انتخاب در این مبان، سوار چه سهم می‌برد و بی‌پایه چک سهمیه است. این

سهمیه بشماره‌ی از زمان رسول اکرم سالم برقرار بود.

اسراف عربان می‌توانست در خصوص اسرار به انتخاب نماید: قتل استراق. آزادی در قبال

دریافت فدا و آزادی بدون قید و شرط، البته باید دانست که در جزئیات این عوارض اختلاف‌نظر هستند.

اسراف استراق شده و دسته می‌شودند. ۱ سهم خمس که به بیت المال سپرده می‌شود.

۲ سهم محاربان که جزء اموال آن در می‌آمد و با آنان بهصورت کالا و منع ممکنی می‌شد و رابطه بین آنان

یک رابطه کمالاً شفافی بود.

سایر، زنان و کودکان کافی بودند که به اسارت مسلمانان در می‌آمدند و قبل آنان به موکب حکم

شرع صنف شده بود. امام آنان دایر بود از استراق و آزادی با فنا با بدند. انتخاب هر یک از

این دو راه از امام بود.

پیش از این گفتن‌های زیاده مفتون المنوی پیش از فتح رواد بین محاربان تقسیم می‌شد و یک

امروز موجب دستور خلیفه دوم جزء اموال فی درآمد و ملك عوام مسلمانان شد. همین امر موجب

خلاف‌نظر فی دراً بیان است. ۵ سعد بن أبي وقاص پیش از فتح منابع، عناوین را نمی‌پرس و پیش از

تقسیم بخشی از آن در میان بازمانده نفعه مالی را همراه فرش کسبی برای عمر بدهن فرستاد.

۶ و معاونه و همینه: امروز و فراه معادن را جزء معادن زکات و تابع مقترض آن اورده و موارد

صرف آن را با مصادف زکات یکی دانستند. ۷ در حالی که ابوصیف (۴۲۰) پیش از آنان، معادن را در

۱. قراءة الأحكام السلطانية، ص ۱۵۸
۲. مورودی، الأحكام السلطانية، ص ۱۴۶
۳. أبو يوسف، كتاب الخراج، ص ۱۹ - ۱۸
۴. مورودی، الأحكام السلطانية، ص ۱۶۷ - ۱۸۸
۵. قراءة الأحكام السلطانية، ص ۱۶۵ - ۱۶۰
۶. مورودی، الأحكام السلطانية، ص ۱۷۱ - ۱۷۰
۷. أبو يوسف، كتاب الخراج، ص ۱۶۴ - ۱۸۸
۸. أبو يوسف، كتاب الأموال، ص ۲۳۰ - ۲۳۲
۹. أبوصیف (۴۲۰)
باب خمس آوده و از اختلافنظر فقهاً در مملکت رضا (دفوئی) سخنگفته است. اهل عراق، عقیده به یکی یونانی راز و مدنی طی گیجی بیان در مدنی و دبیه خمس برداخت. در حالی که مردم حجاز روزا را مال مذهبی نمی‌دانند و آن را از مدنی جدا می‌سازند. آنان در راز رؤیال به خمساً مند و در مدنی معتقد به زکات. ابوعبدال معتقد است که راز رؤیال از زعرض موضوع زکات (موضوع خمس) به معنی خمسی است. شیعیان داد. بنبایین باید آن را تحمیس کرد.

به نظر می‌رسد در روزگار جهیز ایران در اواخر سیاست واحده دینی می‌شد. در مثل دستور عمر به ایوموسی اشتری برادر اموال که در قبیله دانی نبی، در روزگار ساخت و گنجی که در مسیحیت یافته. متفاوت است. در حالی که از اموال نخست سه‌میلی به پاپانگان شداد و همه را به بیست‌ثانیه، دیر بیشتر به انصار هم‌ماند که گنج مداهن را به «بیانگانان آن به و آن را از ایشان مگیرد.»

۲. مصادر خمس

آیه ۴۱ سوره آثار مصادر خمس را بیان گرده است. به موجب روایات اهل سنت، رسول اکرم Дж

خمس را که در مسیحیت، یکی می‌باشد از رسول و دیوّقرنی و سه قسمت برای ایشان، مسیحی و ائمه بسیار (در زمان مادگان) ۴ مورقین پس از تمریف اموال فیAGES با استناد به آیه هفتین، معنوی حضر، بر خلاف ایوبیجی معتقد است که به این اموال نیز خمس تعقیب می‌گردد به اقتضاء و خمس به نجی قسمت مساوی تقسیم می‌شود. در تقسیم‌بندی وی، سه رسوالت و دوی القربی، دو سهم محسوبه شده است. عالمین اهل سنت در خصوص سهم رسول خدا، پس از ایوب با هم اختلاف‌نظر دارند. به موجب روایات مبتنی از حضرت علی، خمس پایتی به شش قسمت تقسیم گردید: سه سهم ان را امام به عنوان سهام خدا، رسول و دوی القربی بردار و سه سهم را بین مسیحیان، ایشان و ائمه بسیار ایل محمد تقسیم نماید.

۵. زکات

زکات ازجمله حقوق مالی و عیان از مقدار معینی که مسلمانان باید از بعضی از اموال خود به موجب آیات قرآن کریم پردازند.

۱. بگذارد به: ابولیکافا، تکثیر اموال، ص ۴۲۴-۴۲۵.
۲. همان، ص ۴۲۷-۴۲۸. جمیع کتابت و پیام‌های سالی حضرت محمد، و استاد صدر اسلام، ص ۴۴۵-۴۵۴.
۳. همان، ص ۴۹۷-۵۰۷. جمیع‌الکتابت و پیام‌های سالی حضرت محمد، و استاد صدر اسلام، ص ۴۹۷.
۴. همان، ص ۴۰۸.
۵. مورقین، الاحکام السلطانیه، ص ۱۵۵-۱۵۶.
۶. بگذارد به: مورقین، الاحکام السلطانیه، ص ۱۵۵.
۷. ازجمله بقهره، ص ۱۷۷. تبیه / ۱۳۱۰.
1. اموال زکات
همه‌تیم سنین تعمیم اموالی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، درستی است که رسول‌الاکرم(ص) در نامه‌ای در این باور به عمرو بن حزم داده است. در این نامه، اموال زکوتی که باید شرح معین شده است: شتر، گاو، گوسفنده، ملای، تقره، نمر، چرم، حب و زیب، در این مکتب، نصاب هر یک از این اموال به تفصیل آمده است. هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، نامه رسول خداوند(ص) و نیز نامه‌ای که جد مادری اموال، عمر بن خطاب دریزان بار به سه خود توشته بود، از میدینه خواست.

محمد بن عبدالله حسن بن نامه‌ها را برای خلیفه اموی روتوئیس کرد.

2. بخشکه احکام السلطانی توضیح، زکات در اموال مترصد برای نما به خود خود و یا به استعمال کار، واجب می‌شود. این دو، اموال مورد تعلق زکات را به ظاهری و باطنی تقسیم نموده همه آنها را در چهار دسته به شرح زیر بیان کردند:

1. مالیات: شتر، گاو و گوسفنده، مشروط بر آنکه اولًا سامانه (فقط از علف ییابان و مرتع بخوره) ثانیاً یک خول کامل را گذرانده باشد.

2. تمار (محصولات درختی): خرما، انگور و سابر میوه‌های قابل پیمانه و اثبات کردن، به دو شرط:

1. بدو صالح (سبه‌شنیدن و از خطر رس رست میوه) و رسیدن به حد نصاب.

3. زرع (محصولات زمینی) که قابل پیمانه و اثبات کردن باشد: مانند گندم، جو و...

4. مالاً و نقره‌ای که از اموال بانکی اثبات است.

3. مصروف زکات
به موجب این 50 سه‌سوم توزیع باشد زکات به مصرف اصناف هشتنگانه قرار، مساقین، عاملین، مؤلفان همبود، بندگان، غارمین، در سیالان و ابنای سیل بیوس. به موجب روایت که ابوبید اورده، عمر بن عبدالعزیز به محمد بن مسلم بن شیبی زهی امر گرد که مصروف زکات را مطابق سنّت برای او بتوسد. این شیبی زهی اصناف هشتنگانه فوقالذکر را به تفصیل بیان نوشته.

4. پرداخت زکات
ابوبید از زین عنوان پرداخت صدق به حاکمان و اختلاف‌نظر عالمان در این باره به دست دسته روایت در این خصوص اورده است. به موجب یک دسته از این روایات، باید زکات را مال صرف به سلطان پرداخت یا حاکم وقت پرداخت شود. روایت دسته دوم در صورتی پرداخت زکات به حاکمان را الزامی دانسته که

1. ابوبید، کتاب الامام، ص ص 347 - 348.
2. همان، ص ص 347.
3. ماورید، الاحکام السطحیه، ص ص 139 - 145.
4. ابوبید، کتاب الامام، ص ص 692 - 690.
زکات‌دهندگان از عطا و اموال خود این اطلاعات را می‌دهند تا فراموشی نشود. هر گاه زکات‌دهندگان از عطا و اموال خود این اطلاعات نشان دهند تا فراموشی نشود.

1. از این روایت نتایجی می‌گیرد که این اطلاعات را می‌دهند تا فراموشی نشود.

2. پس از این روایت نتایجی می‌گیرد که این اطلاعات را می‌دهند تا فراموشی نشود.
نقش ایرانیان در سازمان مالی خلقا

مطالعه منابع تاریخی نشان می‌دهد که ایرانیان و نظام مالی ساسانیان در سه حوزه‌بیشتر به سازمان مالی خلقا می‌پرداختند. چنان‌که لااقل در سراسر قرن تخته‌های هنری در مناطق شرق خلقا صوصاً سرزمین‌های ایرانی که به فتح اسلامی گردیده بودند، ضمن پایبندی به نظام دینی کنونی، از دهه‌های متوالی در این جایگاه حقوق دولتی کمک‌گذاری کرده‌اند. این موضوع را در سه قسمت به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) نظام دیوانی

خلق امور دیوانی و تشکیلات اداری و مالی خود را از سازمان‌های ایرانیان انگلیسی‌زبانی کردند. نخستین دیوان‌های اسلامی دیوان مالی و به‌طور مشخص دیوان مدنی بود که مطمئن بود که به‌طور کامل مشهور به پیشتازان هرمز، هرندی و گرایش خاصی دوم تأسیس شد. از آن پس، این نظام توسط یافته و علاوه بر دیوان‌های مرکزی مستند در پایتخت خلافت، شعب‌هایی نیز در مناطق داشت که با مشترکه دیوان‌های محلی از آن پایان شده است. ازجمله دیوان‌های محلی، دیوان عراق بود که هم به دیوان فارسی و باز هم به دیوان زادان، دیوان فرخ گزارش می‌شد و هم دیوان مالی که در زمان ایرانیان عمده‌دار آن بودند، دیوان فرخزاد داشت.

د) مالیات

در کتای اول، صالح بن عبدالله حسن از موالی بیشتر دیوان را به فارسی و عربی می‌نوشت. وقیت زادان فرخ در شورش این امت کشته شده و صالح جای او را گرفت. پسیز از این در باب ترجیح دیوان‌ها به عربی بین صالح و زادان فرخ گفتگوهای شدید بود اما زادان مختار از این کار منع

۱. ماوری، الاحکام السلطنتی، ص ۱۳۵، قرن، الاحکام السلطنتی، ص ۱۳۹.
۲. بیوگرافی، تاریخ اسلام، ص ۱۳۱.
۳. ابن‌سما، الیه‌ایت کیروی، ج ۲، ص ۱۳۰.
۴. ابن خلدون، المقدمه، ص ۱۳۰.
۵. ملاذی، فرهنگ الیه‌ای، ص ۱۳۹، ماوری، الاحکام السلطنتی، ص ۲۳۵.
۶. ملاذی، فرهنگ الیه‌ای، ص ۲۳۸.
می‌کرد. وقتی خود عهددار دیوان شد، طرح خود را با حجاج ثقیف در میان گذاشت. بدين ترتیب صالح ابن ایران، توجه دیوان از فارسی به عربی موجب خشم ایرانیان شد. چنان که حاضر شدند صد هزار درهم به صالح به دهدن تا این کار دست بردارد. اما او نمی‌فکست. زاده‌فرخی او گفت: «خدا رشماسته را ایرانرزاد، چنان که تر عده فرازی را برندختی» صالح چنان از عده‌ای که بخوبی برآمد که عبدالحسین کابی (یک ایرانی دیگر که نام قرآن را پایه‌گذاری کرد و به کمال رسید) گفت: «چه یا کفایت مردی به صالح و چه می‌توان یزدی بر گامبان دارد». در عین حال دیوان خراسان تا سال 133 ق به زبان فارسی نوشته می‌شد. در این سال به منظور کودکی کردن دست مشرکان از کارهای دولتی و کتاب دیوان، يوسف بن عمر ثقیف به حاکم خراسان دستور داد تا نسبت به ترجمه دیوان‌ها به زبان عربی اقامه کنند. 

پس در ادوار و حتی ترجمه آن به زبان عربی نیز به فرم‌وارایان عرب سلسله فتح ثلاثی کردند.

(ب) مأموران و مستوفیان

از روایت تاریخی به‌دست می‌آید که علی‌عزه به ثبوت و ضبط دیوان‌ها مسالی تهیه و وصول مالیات‌ها در مناطق شرقی، قبلاً تا اواخر قرن نخست هجری، روزگار خلافت عبدالملک بن مروان به‌دست مأموران و مستوفیان محلی انجام می‌شد. 

دیوان و مستوفیان در کارهای ایرانی از جمله تحسین کسانی بودند که مقرن فتح اسلامی به آنان عرب بپوشند و تخصص و جراحی خود را در امور اداری و مالیاتی در اختیار حاکمیان جدید قوام‌شناسی کردند. چنان که واقعاً که علی‌عزه در این املاک و زمین‌های زراعی برگزید بودند، در میان کشاورزان و خرد‌مالکان نیز قدرت و نفوذ قابل توجهی داشتند. همانند روزگار ساسانیان، رابط میان دولت و مالیات‌دهدگان چندین مالیه‌ای امکان از جهتی و خراج را مطلق رسوم قدم وصول و به بیت‌المال خلافت مستقر در منطقه تحول می‌دادند.

دالب دنت معنای است که از نظر ایرانیان نظام مالیاتی همان نظام بهبود می‌شود که در روی تجار و جزیه (زیگت) دیده می‌شود. مثلاً نیازت وضع خراسان و ساراوان این بود که در سوابق عرب‌ها صورت‌های مشرمی و ثبت اراضی را خود انجام می‌دادند اما در خراسان این سوابق

1. این خلدون، المقدمه، ص 203
2. بهبهانی، کتاب‌نامه و کتاب، ص 36
3. همایش، ص 47
4. موحید، مقدمه بر ترجمه مالیات سران، ص 32
تفصیلات ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دولت خلافه

و صورت‌ها به دست دهقانان بود و آنان مالیات قطعی هر محل‌های را به روشی که خود می‌خواستند
گذاری می‌کردند و تنها مبلغ مقرر معلوم را به اعضا می‌بردند.\(^1\)

بنابراین خلافاً کوشیدند بدون تغییر نظام مالیاتی کلیشته، با بهره‌گیری از کارشناسان خبره ایرانی
در تنظیم دیوان‌های مالی، کار وصول مالیات‌ها را به نیروهای می‌پوشاند از جمله دهقانان و مستوفیان
و اگذار کنند. این روش می‌توانست به استفایی دقیق در حقوق دولتی مدد رساند و راه‌های فارق مالیاتی
را بر روی متدیون بهینه بپردازد. زیرا مأموران محلی، از میزان محصول و مساحت زمین، اطلاعات نسبتاً
دقیقی داشتند و با توجه به تعدادی که در مقابل حاکم مسلمان‌سیره بودند، نیازی برای کردند تا
سرحد ممکن، حقوق دولتی را اخذ کنند؛ اگرچه ممکن است در مواردی نیز جای مذید مؤثرین هیچوقت
خود را رعایت کرده باشند.

\(^{ج)}\) نظام اخذ مالیات‌ها

گزارش‌هایی که در تاریخ قمری 13 آمرد نشان می‌دهد که مالیات اراضی (خراج) در قلمرو شرقی خلافت،
براساس نظام مالیاتی بیش از اسلام انجام می‌شود. ازجمله می‌توان به نظام ساحل زمین‌ها اشاره کرد
که مالیاتی بر حسب میزان آن اخذ می‌کردند. در این زمینه ساسانیان، از این پایتخت نظام
دقیق و کامل از ساسانیان به ارث بردند و برای تبعیض ساحل زمین‌ها به گردید.

روش مساحی از روزگار اسلامی و جای روستایی مقاومه را گرفت. مساحی، اصول و قواعد خاصی
داشت که مالیات بر سبایی آن، مساحت زمین‌ها را تبعیضی در «مساحتهای» ثبت و ضبط می‌کردند.
مالیات اراضی در روستا جدید بر سبایی مساحت و مقاله همین ساحل‌نامه دریافت می‌شد.

به عقیده بیوختی آنکه جالب در این برخ این است که خليفه دوم، عمر بن الخطاب، نشان‌دهنده در مورد
مالیات اراضی (خراج) بلهک در مرز جزیره نیز - که حکم کیلی ارد از قرار آمده- از مقررات موضوع
الشیروانی پرویز نمود. الشیروانی هر جزیت اهل بیوت و عظام و مقاتله و هزاره و وابسته و کتاب و
مالزمان خدمت و مالیات مالیات دولتی دیوان را مسلم داشت و هر که را قدرت ان که در است کمکه و از پنجاه
زیبات بود، داخل احتمال نکشته و هر سال اداده آن به سه فصل لازم می‌گردید و عمر بن الخطاب چون
فتاح بلاد اورس کرد، بدین وضع مکاتبینش و شرایط آن را مفتی، ضریب آن را قutm و ضابط نماید.\(^2\)

حتی واردِ خراج نیز از طریق زبان پهلوی به ادبیات عرب راه یافت. به همین دلیل، برخی اقدام

1. دند، مالیات سرحال، ص 170-179.
2. قریش، تاریخ، ص 14-103.
3. موجد، مقدمه بر ترجمه مالیات سرحال، ص 290.
4. همین، به نقل از وصف الحضرة، تارích وصف، ج 3، ص 341.
عمر در تبعیت از مقرراتی که سال‌ها پیش در انجا مکمل و متنقل بود، برای برقراری خراب بر سواد را طبیعی دانستند. چنان که مارودی این کار عمر را پیروی از راهی کسی پسر بی‌داد که برای نخستین بار سواد را مساحی و بر آن خراب وضع کرد. یکتکه دیگر ابن‌که، مساحان ایرانی تا مدت‌های میدان کار مساحی اراضی را به روش مکمل و مطلب «مساحات نام» انجام می‌دادند تا انجا که از برخی مفاهیم بهدست می‌آید، عده‌ای از این مساحان تا قرن سوم هجری بر آین دخترشی باقی بودند؟ یکی از برخی گزارش‌ها بدست می‌آید که اراضی ایران، به مدت از فتح اسلامی مساحی شده بود و مالیات‌آنها در دفاتر خاصی ثبت و ضبط بود و در دوره اسلامی نیز حقوق دولتی را بر این بناهای وصول می‌کردند. یکی دفرتی‌ها که در سه نسبته نه‌به شده بود، «سل» می‌نامند و خراب را بر اساس آن اخذ می‌کردند؟ بدن تریب روشن می‌شد که ایرانیان و نظام مالیاتی ایران پیش از اسلام سازمان مالی مسلمانان و ساماندهی اوضاع مالیاتی و وصول حقوق دولتی مؤثر بوده‌اند و از این راه چه خدماتی به اعراب مسلمان و بدون تجدی در حوزه مالیات‌های ارمنی (خراج) و سرانه (جزیه - گزینت) کردند. 

نتیجه

از آنجا گذشت، بدست می‌آید که نظام مالی دولت خلافا، نظام دقیق و رو به تکامل بوده است و به رغم ادعای برخی، کمکها ساده تکست نبوده که از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که صرفاً در چارچوب مقررات و احکام قانونی و حقوق اسلامی قابل بررسی است و البته نمی‌توان این نظام مالی را با هر نظر مالی دیگر خصوصاً با نظام‌های مالیاتی روزگاران پیش از اسلام در ایران و روم مقایسه کرد.

در این نظام جامع، همه شرایط و احوال مقدور قرار گرفته و بر پایه مبانی عدل و قسط به‌گونه‌ای تدوین شده که در جهت مالیات‌ها نه مزایای تاسیس روک و نه حقوق دولت و مستحقان نادیده گرفته شود. چنان‌که در این چشمه هم وضیع مالی مورد نظر کتاب منظور است و صرفاً از مردان قادر به حمل سلاح، آن‌ها در سه سطح، البته مناسب با شرایط و اوضاع و احوال اختصاصی روز جامعه اخیر می‌شد. در عین حال مسلمانان به هنگام فتح سرزمین‌های جدید خصوصاً مناطقی

1. مارودی، الاحكام السطهان، ص ۱۵۴. 
2. فهمی، تاریخ اسلام، ص ۱۰۴.  
3. حماین. 
4. خاورزمی، منابع العلوم، ص ۷۲ - ۷۳.
نفش ایرانیان در تشکیلات مالی و مالیاتی دولت خلافت

چون ایران، نظام مالی سابق را تا اندازه‌ای که با اصول اسلامی منافع تنها و حقوق فاتحان را تأمین می‌کرد، یادآوری نمی‌کرد. در راه تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی خود، از مأموران و مستوفیان مالی، نیز دهه‌های ایرانی کمک گرفتند. بنظر می‌رسد در خصوص خراج و جزیه به لحاظ کم‌کیفیتی از نظام و امور مالیاتی به‌رهبری بهره‌برداران، در حوزه دیوان‌سالاری هم نظام سابق تا اواخر قرن نخست به‌همان زبان فارسی ادامه یافت. اداره دیوان‌ها بر عهده ایرانیان بود و هرایان طرح ترجمنه آن به زبان فارسی را پیشنهاد و اجرای به کردند.

نظام مالی اسلامی علاوه بر این، ابزار توسعه اقتصادی را دارد. علاوه بر این، معلوم است که ایرانیان و نظام مالیاتی ایران یکی از اسلام در سه حوزه نظام دیوانی، ماموران و مستوفیان، نظام اخذ مالیات‌ها خدماتی قابل به فاتحان مسلمان شرقی و غربی کردند.


منابع و مأخذ

۱. مرکز گردید.

۲. ابن كثير، کامل نیس التاریخ، تصویب محمد پورشیدی، پیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.

۳. ابن خلدون، المقدمه، تصویب خلیل شجاع، پیروت، دارالفقر، ۱۴۰۸ ق.

۴. ابن سعد، مخصوصاً الشمایین، پیروت، بی‌نا، بی‌نا.

۵. ابن الحکم، عبدالرحمن بن عبداللّه، تحقیق مسعود، کتابخانه، تحقیق محمد الحکیمی، پیروت، دارالفقر، ۱۴۱۶ ق.

۶. ابو عبدالله، قاسم بن سلام، کتاب‌های امور، تحقیق محمد خلیل یسراییل، پیروت، دارالفقر، ۱۴۰۸ ق.

۷. ابو عبید، عقیق بن ابراهیم، کتاب الخراج، پیروت، دارالمعروف، بی‌نا.

۸. اشول، پرستش، تاریخ ایران در قرون تخریب اسلام، ترجیمه میراحمدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۹. بارونل، ودیعی، ولادیمرویچ، ترکستان‌نامه، ترجیمه کریم کشاورز، تهران، آگاه، ۱۳۳۶.

۱۰. بلخ، احمد بن پحیم بن جابر، تحقیق الیاف، تحقیق رضوان محمد رضوانی، پیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۴۸ ق.

۱۱. جهانیاری، محمد بن بهادس، کتاب موزاره را وکالت، بندگی، تهران، ۱۳۸۸ م.

۱۲. حرامی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه‌ای که تصویب مسئول شریعه، تحقیق مؤسس آل‌البیت لاحیاج الترتیب، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۷۲.
34. حمیدالله، محمد، خانه‌ها و بیوگرافی سیاسی حضوری محمد؛ و استاد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی، تهران، سروش، 1374 ق.
14. خوارزمی، ابوعلیالله محمد بن احمد، مقاولان علم، ترجمه حسین خدایوجی، تهران، علمی و فرهنگی، 1366 و تحقیق جواد فخرالدین، بروت، دارالمناهل، 1417 ق.
15. دلت، داییل، مالیات سرانه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، 1358 ق.
16. ریس، شیعه علی، خرج و نظام های مالی دولت های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1373 ق.
17. زیدان، جرجی، تاریخ اسلام، ترجمه علی چمرانکلام، تهران، امیر کبیر، 1373 ق.
18. سهروری، محمد، علم و تمدن در عصر امپراتوری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحده علمی و تحقیقات، تهران، 1377 ق.
19. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الفضل و الملک، بروت، دارالکتب العلمیه، 1408 ق.
20. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، بی‌نیا، 1390 ق.
21. فرایی، ریچارد، تاریخ ایران از اسلام تا ماجرا، ترجمه حسن ایزدی‌نژاد، تهران، امیر کبیر، 1363 ق.
22. فرآیند، ابوعلی محمد بن حسن، الاحکام السلطنتیه، تصحیح محمدرضا شیری، بروت، دارالفنکر، 1414 ق.
23. حبیبی، حسن بن محمد، تاریخ تم، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، 1361 ق.
24. ماوودی، ابوالحسن، علی بن محمد، الاحکام السلطنتیه و الولایات الفتنه، بروت، دارالکتب العلمیه، بی‌نیا.
25. حاتمی، ابوالقاسم، تاریخ الیجربه، قلم عددی بن حسن، المختصر الثانی، تهران، پنجم، 1413 ق.
26. موحد، محمدعلی، نظمه بر ترجمه مالیات سرانه، داییل دلت، تهران، خوارزمی، 1358 ق.
27. پژوهشی بن آدم، کتاب الهیجاء، تصحیح و شرح احمد محمد شاکر، بروت، دارالمعهف، بی‌نیا.
28. پژوهشی، احمد بن واضح، الهیجاء، ترجمه محمداخیم آینی، تهران، علمی و فرهنگی، ج. جهاد، 1381 ق.
29. پژوهشی، احمد بن واضح، تاریخ الیجربه بروت، دارالصدر و دارالروت، بی‌نیا.